

توجیه عجیب شاه برای جدایی بحرین از ایران

۲۳ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۵۷

سال ۱۳۴۷، پادشاه عربستان از امیر بحرین به عنوان رئیس یک کشور استقبال کرد. این در حالی بود که هنوز بحرین جزئی از خاک ایران بود و در ۲۳ مرداد ۱۳۵۰ از ایران جدا شد. محمدرضا شاه نخست در اعتراض سفر خود را به عربستان لغو کرد اما پس از مدتی همان سال از عربستان دیدن کرد.

یکی دیگر از مناقشات بین ایران و عربستان در دوره پهلوی اول، مسئله بحرین بود. دولت ایران که در دوره قاجار و اوایل پهلوی تقریباً تبعیت بحرین از انگلستان را پذیرفته بود، به ناگاه گویا به یاد این منطقه افتاد و سعی کرد آن را دوباره به ایران ضمیمه کند.

به این منظور در سال ۱۳۳۶ هـ ش مجلس شورای ملی، طرح الحاق بحرین به کشور به عنوان استان چهارم را تصویب کرد [۱] و ایران بر حاکمیت خود بر این جزیره تأکید کرد. در همان زمان در ایران شایعه‌ای قوت گرفت که در آن دولت عربستان در صدد تأسیس اتحادیه‌ای است که در آن بحرین نیز به عنوان کشوری مستقل شرکت دارد.

نخست‌وزیر وقت ایران منوچهر اقبال در جواب یکی از نمایندگان مجلس درباره این شایعه گفت: «ما روابط سیاسی خود را با هر دولتی که سعی می‌کند پیمانی با بحرین ببندد تا ابد قطع خواهیم کرد. چه گونه اقدامات را روشی خصمانه نسبت به خود شناخته و تجاوزی علیه حق حاکمیت خویش می‌دانیم و تا آخرین قطره خون خود با آن مبارزه خواهیم کرد.» [۲] البته به نظر می‌رسد این گفتارها و مطالب از حد شعار خارج نشد؛ زیرا در همان سال دولت عربستان با حاکم بحرین موافقتنامه‌ای را در مورد اکتشاف و بهره برداری از منابع نفت خلیج فارس امضاء کرد.

وزیر امور خارجه ایران نسبت به این موضوع اعتراض کرد و آن را تجاوز به حقوق ایران و غیر معتبر خواند؛ [۳] ولی هیچگاه این اعتراضات و شعارها به قطع رابطه با عربستان منجر نشد.

همچنین در سال ۱۳۴۷ هـ ش پادشاه عربستان از امیر بحرین به عنوان رئیس یک کشور استقبال کرد. محمدرضا شاه پهلوی در اعتراض به این استقبال، سفر خود را به عربستان سعودی لغو کرد؛ [۴] ولی این اعتراض نیز به جایی نرسید و پس از طی مذاکراتی که به امضای موافقتنامه نیز انجامید، شاه ایران در آبان همان سال به طور رسمی از عربستان سعودی دیدن کرد [۵].



به هر صورت دولت ایران پس از مدتی به خاطر ترس از آمریکا و انگلیس و یا آماده کردن کشورهای عرب از جمله عربستان برای پذیرش معامله بحرین با جزایر سه گانه تنب کوچک و تنب بزرگ و ابوموسی [۶] و یا علل دیگر، ادعای خود را راجع به مالکیت بحرین مسکوت گذاشت و شاه ایران در توجیه کار خود گفت: «اکثریت ساکنان آن جزیره عرب هستند و به زبان عربی سخن می گویند. به لحاظ اقتصادی مجمع الجزایر بحرین دیگر اهمیت ندارند. زیرا نفت آنجا تمام شده و صید مروارید نیز صرفه اقتصادی ندارد. از نظر اهمیت استراتژیکی و سوق الجیشی با وجود تسلط ایران بر تنگه هرمز، آن جزایر ارزشی ندارند. از جهت امنیتی هم حفظ آن سرزمین پرهزینه و مستلزم استقرار یکی دو لشکر در آنجاست [۷].»



پس از مدتی نماینده ایران در سازمان ملل متحد نیز بر گزارش سازمان ملل متحد مبنی بر استقلال بحرین صحنه گذاشت و از آن حمایت کرد و بحرین به طور رسمی از ایران جدا شد [۸].

انتهای پیام/

- [۱]. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۴۱۱
- [۲]. گزیده اسناد خلیج فارس، ج ۳، ص ۱۷۴، سند شماره ۴۵ و ص ۱۸۰، سند شماره ۴۷ و ص ۱۸۴، سند شماره ۴۷ و ص ۱۸۰، سند شماره ۴۷
- [۳]. گزیده اسناد خلیج فارس، ج ۳، ص ۱۹۵، سند شماره ۵۴
- [۴]. زندفر، فریدون، ایران و جهانی پرتلاطم خاطراتی از دوران خدمت در وزارت امور خارجه، تهران، نشر شیرازه، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۶۳
- [۵]. زندفر، فریدون، پیشین، ص ۶۵
- [۶]. احمدی، حمید، روابط ایران و عربستان در سده بیستم، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۴۳ و اخوان کاظمی، بهرام، مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۱۵
- [۷]. گفتگو با مشاهیر ایرانی مهدی آذر امیرخسرو افشار صادق امیرعزیزی علی ایزدی، تدوین دانشگاه هاروارد، بی جا، بی تا،

[۸]. علم، اسدالله، گفتگوهای من با شاه خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم، تهران، نشر طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۳۷

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۰۵۱/ایران-بحرین-جدایی-شاه-عجیب-توجیه/>